

مینماید مثل اینکه اصولاً وجود خارجی نداشته است معذک فکر مخالفی در قانون ۱۹۲۱ (ماده ۱۹) و در قانون ۱۹۲۵ (ماده ۱۵) دیده میشود: «اثرات عفو عمومی نمی توانند در هیچ حالت مانع اعاده محاکمه که منظور از آن استقرار و ثبوت بی گناهی محکوم است در پیشگاه دادگاههای صلاحیت دار بشوند.»

نتیجه آنکه از نظر بسط و توسعه که بعفو عمومی داده اند و پیروی و ترویج این فکر خود موجب و سبب شده که عفو عمومی برخلاف عفو خصوصی ارزش واقعی خود را از دست داده است.

باقر نیک انجام

آخری که داده شده در قانون ۱۹۲۵ (ماده ۲۱) باین نحو است: «در هیچ حالتی عفو عمومی به حقوق اشخاص ثالث لطمه وارد نیاورده و اشخاص نامبرده بایستی در مقابل دادگاههای حقوق اقامه دعوی نمایند در صورتیکه در حوزه دادگاه جنائی باشند یا اگر دادگاه جزا هنوز وارد رسیدگی بدعوای حقوقی نشده باشد.»

استثنای دیگری که باثرات عفو عمومی وارد شده و بنفع متهم بخشوده میباشد این است که اگر محکومی که از عفو عمومی منتفع شده و ادعا میکند در باره او اشتباه قضائی رخ داده است حق دارد اعاده محاکمه بخواهد از نظر منطقی میبایست پاسخ منفی داد چون عفو عمومی نتیجه اش این است که محکومیت جزائیی را کان لم یکن

بحث در قوانین تجاری انگلستان

کم و کیف معامله را میان خود حل و فصل کرده اند همیتقدر که سند تحریر و تسلیم میگشت معامله تکمیل و همان سند عین قرارداد بود. و اما پیشرفت زمان و توسعه روز افزون معاملات تجاری و نمو افکار و آرای فردی و عمومی در انگلستان تدریجاً بشبوت رسانید که در همه جا و همیشه نمیتوان معاملات را معوق و منوط باسناد مهر شده گردانید و لازم است وسیله سریع تر و سهل تری برای متعهد ساختن افراد بدست آورد این بود که مقاله های غیر رسمی را بوجود آوردند ولیکن دادگاه های انگلیس مدتها از پشتیبانی این مقاله ها دریغ می ورزیدند چنانچه داستان این تبدلات در تاریخ قضائی انگلستان بتفصیل آمده است تا عاقبت مقاله های غیر رسمی نیز مورد رسیدگی دادگاهها قرار گرفت و اکنون در

در مقالات گذشته راجع بانواع قراردادها سخن رانده گفتیم که در انگلستان امروزه قراردادها بر سه نوع میباشد.

در اینجا باید یاد آور شویم که در انگلستان قدیم قراردادیکه در دادگاهها قابل تعقیب باشد یکنوع بیش نبود که عبارت است از قرار داد مهر شده که آنرا سند مینامیم - در آن زمان تهیه و انشای يك سند تشریفاتی داشت و آنرا بدیده اهمیت و اعتبار نگریسته فقط سند مهر شده را رسمیت مینهادند و مقام او لویتی که در حال حاضر برای اسناد مهر شده قائل میشوند از بقایای همان اعتبار و اهمیت دیرین آنست که هنوز بر جامانده است و از آنجا که معلوم و معین بود که وقتی طرفین قرارداد برای انشاء تحریر سند حاضر شدند مسلم است که قبلاً

مورد قرارداد غیر رسمی حکم دادگاه صادر میشود بشرط اینکه عوضی در میان باشد زیرا که عوض را مثبت وجود قرارداد می‌شناسند.

بنابر تفصیل بالا معلوم شد که امروزه در دادگاه انگلیس يك قرارداد مهر شده بخودی خود قابل تعقیب شناخته می‌آید ولیکن يك قرار داد ساده (یا بلهجه قدیم يك قرارداد غیر رسمی) وقتی مورد تعقیب قرار می‌گیرد که عوضی برای تثبیت آن در میانه موجود باشد.

موارد استعمال سند

البته مانعی ندارد اسناد مهر شده‌ئی که جنبه قرار داد دارد در معاملات تجاری و سایر معاملات بکار برده شود ولیکن در عمل کمتر اتفاق می‌افتد که در انگلستان کنونی اسناد مهر شده را بازرگانان لازم شمرده و بکار برند مگر در چند مورد بخصوص که قانون انگلیس سند مهر شده را ضروری دانسته که از آن جمله است (الف) بنابر قانون شرکت‌ها هر گاه سهامی در یک شرکت از مالکی بمالک دیگر انتقال یابد باید بوسیله قرارداد مهر شده منتقل گردد (ب) قراردادهایی که برای انتقال کشتی‌های انگلیسی یا سهام مربوط بکشتی‌ها منعقد میشود باید مهور باشد (ج) هر گونه قرار دادی که یکطرف آن یکی از باشگاههای اجتماعی باشد - ما در یکی از مقالات گذشته خود راجع بباشگاههای اجتماعی اشاره باین موضوع نموده‌ایم (د) اوراق مربوط ببيع شرطی (ه) قراردادهایی که بوسیله عوض تأیید نمیشود. علاوه بر اینها موارد دیگری نیز هست که قانون انگلیس قرارداد مهر شده را لازم شمرده مانند هر گونه هبه اراضی و رهن و اجاره هائی که مدت آنها از سه سال تجاوز می‌نماید ولیکن این هاربطی بحقوق تجارت ندادد راجع بقرارداد ساده

در یکی از مقالات گذشته قرارداد ساده را تعریف نموده‌ایم و در اینجا همین قدر یاد آور میشویم که باستثناء قرارداد های دیوانی که مبتنی بر حکم دادگاه میباشد و قراردادهای مهر شده هر گونه قرارداد دیگری عنوان قرارداد ساده داخل میشود قرارداد ساده هنگامی

در نظر دادگاه انگلیس لازم الاجرا شناخته می‌آید که عوضی در مقابل داشته باشد قرارداد ساده را مدت ها دادگاه های انگلیس لازم الاجرا نمیشناختند تا زمانی که مسئله عوض توجه فقهای آن کشور را جلب نمود و از آن پس برای تعقیب يك قرارداد ساده فقط میباید مدرکی ارائه شود حاکی از وجود آن معامله میان طرفین تا دادگاه رسیدگی کرده عنداللزوم حکم با اجرای قرارداد دهد. لازم بودن يك مدرک کتبی برای اثبات قرارداد از سال ۱۶۷۷ میلادی در قوانین انگلیس وارد گشت زیرا در آن سال مقررات مربوط بتقلب و کلاه برداری بتصویب رسید و در نتیجه برای قراردادهای مدرک کتبی لازم دیده شد ولی ما باید متذکر باشیم که این مدرک کتبی نفوذ و تأثیری در قرارداد ندارد و تنها مانند گواه یا نشانی است که از بودن نفس يك قراردادی حکایت مینماید و از این حیث با قرارداد مهر شده یعنی با سند تفاوت کلی دارد زیرا سند همانا نفس قرارداد میباشد و حال آنکه مدرک کتبی فقط نشانه وجود قرارداد شمرده میشود. البته شبیه نمیرود که هر گاه طرفین يك قرارداد ساده از لحاظ جلوگیری از هر گونه خبط و خطا یا فراموشی برای معامله خود یاد داشتی بنویسند و مقررات قرار دادشان را در آنجا روشن بنگارند تا هنگام احتیاج نکات مشکل و مبهم را از روی آن حل و کشف کنند این عمل آنها به احتیاط و حزم مقرون است و بشرط خردمندی رفتار نموده انده عدالت هر گاه یک چنین احتیاطی بعمل نیامده باشد یعنی مدرک کتبی در میانه نباشد و اما وجود قرار داد را از طریق دیگری بر دادگاه ثابت نمایند دادگاه مدرک کتبی را لازم نشمرده حکم با اجرای قرارداد میدهد مگر آنکه معامله از مواردی بوده باشد که قانون مدرک کتبی را مقرر داشته است مانند براتنامهچه و امثال آن.

علاوه بر قوانینی که يك مدرک کتبی را برای وجود قرار داد لازم شمرده مانند قانون تقلب و تزویر (مصوب سال ۱۶۷۷) و قانون فروش اجناس (سال ۱۸۹۳) در بعضی از قوانین وجود نوشته شرط اعتبار قرار داد شناخته شده و چون در این موارد با اصل کلی که گفتیم (قرارداد ساده

علاوه بر این چهار تفرقه در مورد دیگر نیز قانون انکیس مقرر میدارد که نوشته در میان باشد مورد اول قراردادی است که طبق آن مدیونی تعهد میکند دین خود را بدین بردارد (تا از کیفر مقرر در قانون تقلب و تزویر مصون بماند - ما بعدها در این موضوع بخصوص بحث میکنیم) مورد دیگر معرفی نامه‌ای است که شخص در باره اعتبارات دیگری میدهد تا شخص ثالث از سراطمینان با او معامله کند - این قبیل معرفی نامه هائیز باید کتبی باشد تا هر گاه شخص ثالث از معامله با طرف معرفی شده خسارتی ببیند بتواند آن نوشته را مدرك قرار داده از معرفی کننده جبران خسارتش را بخواهد .

رحیم زاده صفوی

بدون نوشته هم معتبر است) مفایرتی دارد اینک در زیر مورد بمورد یاد می‌کنیم تا بعنوان مستثنیات شناخته آید:

۱- براتنامه‌ها که طبق قانون عرف عام انکیس نیز باید کتبی باشد و بعد از عهد سلطنت (آن) وام‌های موعدی نیز ضمیمه این قسمت شده در سال ۱۸۸۲ قانون مخصوصی از مجلس عوام انگلستان گذشت که تحریری بودن این دو قسم قرارداد را الزام میکند.

۲- واگذاری حق طبع و تقلید (قانون مصوب سال ۱۹۱۱)

۳- قراردادهای راجع بیمه دریایی (قانون بیمه دریایی مصوب سال ۱۹۰۶)

۴- سهام شرکت‌ها نیز باید بوسیله نوشته از دستی بدستی انتقال یابد (قانون شرکت‌ها مصوب سال ۱۹۲۹).